

متن پرسش

با عرض سلام و احترام: ببخشید شاید سوال پیچیده به نظر بیاد لذا ممنون میشم با دقت بخونید و راهنمایی بفرمایید. مقدمه اول: در یکی از سوالات پرسش و پاسخ که بین شما و یکی از کاربران انجام شد، یادم نیس کدوم سوال بود ولی مضمونش این بود که سوال کننده از شخص یا فرقه‌ی خاصی پرسیده بود و شما در پاسخ گفته بودین چنین مباحثی، انسان رو بیشتر به خودش مشغول میکنه تا به خداوند و اون رو رد کردین. بعد من اسم شخص یا فرقه‌ای که در سوال بود سرچ کردم بینم چی بوده، دیدم این شخص یا فرقه‌ی تعالیمی داره با این مضمون که انسان روی خودش تمرکز کنه و انگار از سران بودایی بوده. این رو به عنوان مقدمه اول داشته باشین لطفا. مقدمه دوم: از طرفی مدتی ناخودآگاه خودم در خودم دقیق شدم، و ماجرا از اینجا آغاز شد که دیدم با بستن چشم‌هایم، باز هم قوه باصره کار میکنه و باز به طور اتفاقی تجربه کردم موقع داشتن درد در بدن، تمرکز روی این درد سبب زایل شدن درد میشه. این گونه تجربه‌ها مقدماتی شد برای اینکه در خودم فرو بروم و خودم رو تحلیل و ارزیابی کنم، خودم اعم از افعال و احساسات و تفکرات مقطعی که احساساتم باعث میشه این عقاید یا افکار بر من عارض بشه رو تحلیل کنم. و در عمل فعلا این تحلیل و ارزیابی مفید بوده. با ذکر دو مقدمه‌ی فوق، نگرانی من اینه که نکنه این ارزیابی که انجام میدم نوعی پرداختن به خود باشه؟ و آیا این نوع پرداختن به خود که در مقدمه دوم ذکر شد نمیتونه راهگشا باشه برای رسیدن به حق؟ از کجا مطمئن بشم این کارم اثر منفی روی من نداره و من رو به خودم مشغول نمیکنه تا از خدا غافل شم چون هنوز ارزیابی تجربی روشنی از ارتباطم با خدا ندارم؟ در واقع آیا هر نوع تفکری روی خودمون بلامانع هست یا خیر؟ ملاک سنجش اینکه بینم چه نحوه تمرکزی روی خودمون خوبه چیه؟ چون من مستقیماً توی کتب دینی در این مواردی که باهاش مواجه میشم، مطلبی ندیدم از طرفی هم مسایل تجربی هستن که انسان ناخودآگاه با اونها مواجه میشه. آیا برای ارزیابی منطقی حالات و رفتار خودمون نیازی هست چنین ملاحظاتی کنیم یا یه امر طبیعی و ملاحظه خاصی نمی‌طلبه؟ خیلی ممنونم از وقتی که در اختیارم گذاشتید. اجرتون با حضرت حق. ممنون میشم در صورت امکان سوال رو خصوصی پاسخ بدین چون فکر نمیکنم به درد شخص دیگری بخوره و شخصی هست. با تشکر

فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. تمرکز بر خود و حالات خود به خودی خود اشکال ندارد ولی آنچه ما را به

نتیجه‌ی متعالی می‌رساند، درکی است که از خود داشته باشیم در حدّ یافتنِ حقیقت خود در عوالم بالا، در آن راستا که اولیاء معصوم «علیهم‌السلام» خود را در ابدیت حسّ می‌کردند و فرمودند: «الآن قیامتی قائم». در این مورد مطالبی در کتاب «فعالیت یافتن باورها» هست. ۲. برای آن نوع حضور، نیاز به درک سنت اولیای الهی داریم که در بستر سیره و سنت آن‌ها حرکت کنیم، وگرنه در حدّ قوای نفس ناطقه متوقف می‌شویم مثل کاری که مرتاض‌ها انجام می‌دهند. موفق باشید